

# بررسی اثرات محتوای رسانه‌ای بر الگوهای تربیتی در خانواده متعالی: رویکردی به سوی تربیت پایدار

ملیحه نوروزی<sup>۱</sup>

## چکیده

در دنیای امروز، محتوای رسانه‌ای نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به افکار و رفتارهای افراد جامعه دارد. رسانه‌های مختلف از جمله تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به ابزارهایی قدرتمند برای تأثیرگذاری بر مخاطبان تبدیل شده‌اند. در این میان، خانواده به عنوان نهاد اصلی تربیت و پرورش انسان، در مواجهه با محتوای رسانه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این محتواها، خواه به صورت آگاهانه و خواه ناخودآگاه، الگوهای تربیتی را در خانواده‌ها تغییر داده و گاه با اصول و ارزش‌های خانواده‌های متعالی در تضاد قرار می‌گیرند. بررسی این اثرات و تلاش برای دستیابی به راهکارهایی برای تربیت پایدار در عصر رسانه‌های نوین، از اهمیت بالایی برخوردار است. اهمیت این موضوع در آن است که با گسترش نفوذ رسانه‌ها، تربیت فرزندان و شکل‌دهی به هویت آن‌ها بیش از پیش با چالش روبه‌رو شده است. رسانه‌ها می‌توانند علاوه بر ارائه الگوهای تربیتی ناسالم، فرصتی برای انتقال الگوهای صحیح و پایدار نیز باشند. از این رو، آگاهی از اثرات محتوای رسانه‌ای و شناخت دقیق تأثیرات آن بر تربیت کودکان و نوجوانان، برای حفظ و تقویت اصول تربیتی خانواده‌های متعالی امری ضروری به شمار می‌آید. این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده و هدف آن تحلیل دقیق اثرات محتوای رسانه‌ای بر الگوهای تربیتی در خانواده‌های متعالی، شناسایی چالش‌های تربیتی در مواجهه با این محتواها، و ارائه راهکارهای تربیتی برای حفظ و تقویت بنیان‌های اخلاقی و دینی خانواده در مواجهه با رسانه‌هاست. دستاوردهای مورد انتظار از این تحقیق، راهبردهایی عملی برای خانواده‌ها و مربیان خواهد بود تا بتوانند با بهره‌گیری از رویکردهای تربیتی پایدار، تأثیرات مثبت محتوای رسانه‌ای را به کار گیرند و از آسیب‌های آن جلوگیری کنند.

**واژگان کلیدی:** رسانه، تربیت، خانواده متعالی.

## ۱- مقدمه

---

<sup>۱</sup> دانش‌پژوه سطح ۳ مدرسه علمیه تخصصی عبدالعظیم حسنی (ع) - malihe.norouzi313@gmail.com

در عصر کنونی، رسانه‌ها به یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده افکار و رفتارهای افراد و جوامع تبدیل شده‌اند. ابزارهای متنوعی مانند تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی از توانایی بالایی برای تأثیرگذاری بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری برخوردارند و می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم تربیت و پرورش انسان را تحت تأثیر قرار دهند. در این میان، خانواده که به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد تربیتی و پرورشی شناخته می‌شود، با چالش‌های جدی در مواجهه با محتوای متنوع و گاه متضاد رسانه‌ای روبرو است. این محتواها گاه الگوهای تربیتی سنتی را تحت الشعاع قرار می‌دهند و ممکن است با اصول و ارزش‌های خانواده‌های متعالی، به‌ویژه خانواده‌های مبتنی بر آموزه‌های دینی و اخلاقی، در تضاد باشند. این موضوع، به‌ویژه در مواجهه با محتوای رسانه‌ای که از فرهنگ‌های دیگر نشأت می‌گیرد، اهمیت دوچندان می‌یابد.

پژوهش‌ها و مطالعات بسیاری تأثیرات عمیق رسانه‌ها بر رفتار و تربیت افراد را مورد بررسی قرار داده‌اند و نتایج این مطالعات نشان می‌دهند که محتواهای رسانه‌ای، به‌خصوص در دوره‌های حساس رشد و بلوغ، نقش مؤثری در شکل‌دهی باورها و ارزش‌های فرد ایفا می‌کنند. این اثرات در خانواده‌های متعالی که محور تربیتی آن‌ها بر مبنای ارزش‌های اخلاقی، دینی و فرهنگی است، می‌توانند به چالش‌های تربیتی و حتی سردرگمی در انتقال مفاهیم تربیتی منجر شوند. به‌عنوان نمونه، در بسیاری از خانواده‌های اسلامی، الگوهای فرهنگی و محتوای غرب‌محور می‌توانند تأثیری منفی بر تربیت دینی و اخلاقی فرزندان داشته باشند و گاه سبب تضاد ارزشی میان نسل‌ها گردند.

با توجه به افزایش نفوذ رسانه‌ها، ضرورت شناخت و بررسی دقیق تأثیرات محتوای رسانه‌ای بر الگوهای تربیتی خانواده‌ها، به‌ویژه خانواده‌های با رویکرد ارزشی، بیشتر از پیش احساس می‌شود. این شناخت می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا با آگاهی و مدیریت بیشتر در مسیر تربیت فرزندان خود گام بردارند. رسانه‌ها علاوه بر چالش‌ها، فرصتی را نیز برای ترویج الگوهای تربیتی سالم و پایدار فراهم می‌آورند. بنابراین، آگاهی از چگونگی استفاده بهینه از رسانه‌ها و راهکارهای مواجهه صحیح با آن‌ها در خانواده، به‌ویژه در میان نسل جوان، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

اهداف اصلی این تحقیق، بررسی اثرات محتوای رسانه‌ای بر الگوهای تربیتی در خانواده‌های متعالی، شناسایی چالش‌های تربیتی ناشی از مواجهه با این محتواها و ارائه راهکارهایی عملی برای تقویت بنیان‌های اخلاقی و دینی در مواجهه با رسانه‌هاست. دستاوردهای این پژوهش می‌تواند به خانواده‌ها، مربیان و سیاست‌گذاران کمک کند تا با بهره‌گیری از رویکردهای تربیتی پایدار، ضمن کاهش تأثیرات منفی، از فرصت‌های رسانه‌ای برای تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی بهره‌مند شوند.

پژوهش‌هایی در ارتباط با بررسی اثرات محتوای رسانه‌ای بر الگوهای تربیتی صورت گرفته است. همچنین برخی آثار و پژوهش‌ها به تاثیر این رسانه‌ها در هویت و ارزش‌های خانواده پرداخته است. در ادامه به برخی از این آثار و پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

کتاب «بشقاب‌های سمی (معرفی شبکه‌های ماهواره‌ای، آسیب‌ها و راهکارهای مقابله)» اثر حسین امانلو است. این کتاب در پاسخ به این مساله اصلی که برای جلوگیری از بی‌نظمی و آشفتگی ناشی از تلویزیونی و ماهواره‌ای شدن خانواده‌ها و هویت‌زدایی از خانواده اصیل و اسلامی چه اقداماتی با صورت گیرد، نگاشته شده است.

کتاب «جنگ علیه خانواده» اثر ویلیام گاردنر و ترجمه محمدی است. این کتاب با استناد به وضعیت اجتماعی جهان غرب به ویژه آمریکا و کانادا در صدد ریشه‌یابی معضلات جامعه خود و ارائه راه‌حل‌هایی جهت غلبه بر این معضلات است. کتاب به بیان تحلیل‌هایی درباره کاهش استحکام و کارآمدی خانواده به دلیل گسترش روزافزون ارتباط‌های بین‌المللی و پدیده جهانی شدن از سویی و اراده نظام سلطه جهانی بر عالمگیر ساختن فرهنگ منحط خود از سوی دیگر می‌پردازد.

کتاب «پیامدهای ماهواره بر خانواده» اثر محمود ریاحی، نسیم گل آرابی فرد است. این کتاب، به آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بر نظام خانواده و تعهدات زناشویی می‌پردازد. همچنین رسانه‌های فراملی را عامل اصلی ارائه‌ی فرهنگ جهانی و نسبیت‌گرایی فرهنگی دانسته است که در آن ماده‌گرایی، مصرف‌گرایی، رابطه‌ی جنسی و خشونت افراطی عرضه می‌شود.

مقاله «آسیب شناسی تاثیر شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان بر هویت؛ فراتحلیل پژوهش‌های موجود» اثر حسنی درمیان و تیموری، این پژوهش به بررسی شاخص‌های هویت دینی، هویت ملی، هویت فرهنگی، هویت قومی، هویت اجتماعی، هویت جنسیتی و هویت زبانی در این شبکه‌های ماهواره‌ای پرداخته است. نتایج فراتحلیل حاکی از آن است شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان، از یک سو موجب تقویت هویت قومی در بین اقوام ایرانی شده‌اند و از سوی دیگر، زمینه‌های تضعیف هویت دینی، اجتماعی، ملی و فرهنگی ایرانیان را پدید آورده‌اند. براین اساس، هویت دینی و هویت قومی بیشترین تاثیر را از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان پذیرفته‌اند.

مقاله «نقش و اهمیت رسانه‌ها در عدم پایبندی دانش‌آموزان به باورها و ارزش‌های دینی» اثر مریم محمدباقری، در این مقاله به بررسی نقش و تاثیر رسانه‌ها بر ارزش‌ها و باورهای دینی دانش‌آموزان پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند تاثیرات قابل توجهی بر دیدگاه و باورهای دینی افراد داشته باشند و به عدم پایبندی به این ارزش‌ها منجر شوند. برای پیشگیری از این مسئله، آموزش‌های آگاهی‌آموزی و تقویت ارزش‌ها و باورهای دینی در دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بررسی آثار و مطالعات صورت‌گرفته بیانگر آن است که پژوهش‌های صورت پذیرفته به رغم دستاوردهای مهم خود از تبیین دقیق محتوای مثبت و ارزش‌مدار به تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی و از سوی دیگر،

محتوای تضاد با اصول خانواده متعالی که باعث تضعیف تربیت پایدار و ارزش‌های اخلاقی می‌شوند بازمانده‌اند. همچنین در برخی آثار تنها به شرح مسئله به صورت تک بعدی پرداخته است. بر همین اساس، این مقاله در تلاش است با تبیین دقیق محتوای رسانه، نقش و مسئولیت‌های مؤثر خانواده‌ها، نظام آموزشی، رسانه‌های ملی و سیاست‌های حاکمیتی به مقابله با نفوذ محتوای ناهنجار و تأمین محتوای سالم و ارزش‌مدار بپردازد.

## ۲- مفهوم شناسی

در بخش مفهوم‌شناسی، ابتدا به تبیین مفهوم خانواده متعالی و تربیت پایدار پرداخته می‌شود؛ مفاهیمی که در نگاه اسلامی و تربیتی نقش برجسته‌ای در رشد شخصیت و شکل‌دهی به هویت افراد دارند. خانواده متعالی، نهادی اخلاق‌محور و معنویت‌مدار است که با تأکید بر ارزش‌ها زمینه‌ساز تربیت فرزندان مقاوم در برابر چالش‌های اجتماعی و پایبند به اصول دینی می‌شود. این نهاد با فراهم‌آوردن فضایی امن و سالم، نقشی کلیدی در تثبیت هویت اخلاقی و اجتماعی فرزندان ایفا می‌کند و به ایجاد نسلی اخلاق‌مدار و معتقد به ارزش‌های پایدار کمک می‌کند.

در ادامه، به بررسی نقش محتوای رسانه‌ای در زندگی اجتماعی و فردی پرداخته می‌شود. رسانه‌ها امروزه یکی از پرنفوذترین ابزارها در شکل‌دهی به افکار، رفتارها، و الگوهای تربیتی افراد هستند. با توجه به گسترش استفاده از رسانه‌هایی همچون تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، خانواده‌های متعالی و جوامع تربیتی با چالش‌های بیشتری در هدایت فرزندان مواجه‌اند. محتوای رسانه‌ای می‌تواند به عنوان فرصتی برای انتقال ارزش‌های مثبت یا، در صورت تضاد با اصول اخلاقی و دینی، به عنوان عاملی برای تضعیف تربیت پایدار و ارزش‌های اخلاقی عمل کند. در این راستا، درک دقیق تأثیرات رسانه و بررسی جایگاه آن در تربیت نسل جدید، به ویژه در خانواده‌های متعالی، ضرورتی اساسی به شمار می‌آید.

بخش مفهوم‌شناسی به بررسی عمیق خانواده متعالی، تربیت پایدار و رسانه‌ها پرداخته تا دیدگاهی روشن از نقش خانواده متعالی در تربیت و هویت‌سازی نسل آینده ارائه شود.

## ۱-۲- تعریف خانواده متعالی و جایگاه آن در اسلام

خانواده در متون و منابع اسلامی به عنوان بنیادی اخلاق‌محور و معنویت‌مدار شناخته می‌شود. تشکیل خانواده روشی است که خداوند آن را به منظور تنظیم زندگی انسان‌ها، تأمین نیازهای آنان به روشی سالم، پرهیز از بحران‌های روحی و درگیری‌های اخلاقی و اجتماعی مقرر کرده است (ایازی، اسلام و تنظیم خانواده، ص ۲۶). دروازه ورود به تشکیل خانواده، ازدواج است و تشکیل خانواده اساس همه تربیت‌های اجتماعی و انسانی می‌باشد (بانکی‌پور فرد، زن و خانواده، ص ۸۲).

قرآن کریم خانواده را به عنوان نهاد پایه‌ای برای ایجاد آرامش و محبت معرفی می‌کند. آیه ۲۱ از سوره روم با بیان این که «خداوند برای شما همسرانی آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما مودت و رحمت قرار داد»، بر اهمیت ساختاری خانواده در ایجاد محبت و همدلی تأکید می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه

می‌گوید، خانواده محیطی است که در آن صفات انسانی رشد می‌یابند و فرزندان به ارزش‌های اخلاقی و دینی عمیقاً پایبند می‌شوند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۴۳).

خانواده متعالی در متون اسلامی و اخلاقی به نهادی اطلاق می‌شود که بر مبنای اصول اخلاقی، فرهنگی و دینی مستحکم استوار است و نقش محوری در تربیت و پرورش افراد دارد. در چنین خانواده‌ای پدر و مادر با ارتقاء بینش، معلومات و رتبه معرفتی، فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم و روح و رفتار خود به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه به فرزندان منتقل می‌کنند (بیانات مقام معظم رهبری در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۵/۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-> [content?id=۳۲۹۸](https://farsi.khamenei.ir/speech-)).

از دیدگاه اسلام، خانواده متعالی مسئولیتی سنگینی در تربیت و هدایت فرزندان دارد. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که «هیچ سرمایه‌ای بهتر از ادب نیک برای پدر و مادر وجود ندارد که آن را به فرزندان خود به ارث بگذارند» (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۵۸۲). این روایت بیانگر این است که والدین نه تنها باید در تأمین نیازهای مادی تلاش کنند بلکه بایستی ارزش‌های اخلاقی و معنوی را نیز به فرزندان منتقل کنند. خانواده متعالی، با ایجاد محیطی بر اساس ارزش‌های اخلاقی و دینی، زمینه‌ای را فراهم می‌کند که اعضای آن بتوانند در مسیر کمال و رشد انسانی حرکت کنند. این خانواده نقش اساسی در ایجاد و تقویت هویت فرزندان خود دارند (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-> [content?id=۲۱۴۲۹](https://farsi.khamenei.ir/speech-)).

## ۲-۲- تعریف تربیت پایدار در خانواده متعالی

تربیت به عنوان یک مفهوم دارای تعاریف مختلفی است. برخی تعاریف، تربیت را به انتقال معلومات و مهارت‌ها محدود کرده‌اند؛ با این حال، چنین تعریفی کامل نیست، زیرا وظیفه مربی تنها به انتقال دانش و مهارت محدود نمی‌شود. تعریف دیگر، تربیت را به عنوان ایجاد عادات و صفات معین در فرد در نظر می‌گیرد؛ اما این تعریف نیز محدود است، چراکه تربیت مفهومی عمیق‌تر از صرفاً شکل‌دهی به عادات و صفات خاص است (بهشتی، تربیت از دیدگاه اسلام، ج ۱، ص ۴۵).

در تعاریف دیگری، تربیت به فعلیت رساندن استعدادها و آماده‌سازی فرد برای زندگی اجتماعی محدود شده است. از نظر تربیت صحیح، به فعلیت رساندن استعدادها تنها در صورتی مثبت است که استعدادها مفید و اخلاقی را شامل شود، و هدف از آماده‌سازی برای زندگی اجتماعی نیز نمی‌تواند تنها پذیرش بی‌چون و چرای ارزش‌های جامعه باشد. تربیت نباید مانند کارخانه‌ای باشد که محصولی مطابق تقاضا بسازد، بلکه باید به ارزش‌های انسانی و رشد فرد توجه داشته باشد (بهشتی، تربیت از دیدگاه اسلام، ج ۱، ص ۴۶ و ۴۷).

تعریف جامع اسلام از تربیت، "هدایت" است. اسلام تربیت را فرآیندی برای هدایت فرد در مسیر درست می‌داند، که در آن آزادی و دموکراسی به وی داده شده و او آزادانه و آگاهانه مسیر خود را انتخاب می‌کند. وظیفه مربی، مانند والدین در خانواده، این است که مسیر درست و هدف را به فرزند بشناساند، اما به او آزادی عمل بدهد

تا از روی آگاهی به سمت کمال حرکت کند. در این دیدگاه، تربیت پایدار در خانواده متعالی به معنای فراهم کردن بستر هدایت برای رشد آزادانه و آگاهانه فرزند است. در خانواده متعالی توجه تقویت باورهای اخلاقی و دینی به گونه‌ای است که در مقابل تغییرات فرهنگی و اجتماعی پایدار بماند. این شیوه از تربیت، بر پایداری ارزش‌ها و اصول اخلاقی تأکید دارد و خانواده‌ها را به عنوان اصلی‌ترین نهاد تأثیرگذار در تربیت معرفی می‌کند (بهشتی، تربیت از دیدگاه اسلام، ج ۱، ص ۵۱ و ۵۲).

### **۲-۳- مروری بر انواع رسانه‌ها و تاثیر عمومی آن بر رفتارها و باورها**

رسانه به هر ابزاری گویند که پیامی را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر یا از فرستنده به گیرنده منتقل می‌کند (امانلو، بشقاب‌های سمی، ص ۴۸). از آن جا که طی سالیان متمادی هر آنچه از شکل‌های جدید فرهنگ و تکنولوژی ظهور کرده زیر چتر واژه رسانه قرار گرفته است، کلمه رسانه طیف گسترده‌ای از معانی را پوشش می‌دهد. صد سال پیش بجای رسانه از واژه پرس (Press) استفاده می‌شد زیرا رسانه‌ها غالباً چاپی بودند و این کلمه به دستگاه پرس در چاپخانه اشاره داشت. در سال ۱۹۴۰ میلادی به مجموعه سینما، رادیو، تلویزیون و محصولات مکتوبی همچون روزنامه‌ها و مجلات رسانه جمعی می‌گفتند. امروزه واژه رسانه به همه کانال‌ها و بسترهایی که محتوا در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهند اطلاق می‌گردد (نیومن، ابزارهای پژوهش رسانه، ص ۴۶).

رسانه‌ها در گذشته دو ویژگی مهم را دارا بودند. ویژگی اول آن‌ها ارتباط یک سویه بود به این معنی که پیام‌ها صرفاً از سمت فرستنده برای گیرنده ارسال می‌شوند. ویژگی دوم ارتباط یک به چند بود به این معنی که فرستنده پیامش را برای تعداد زیادی مخاطب یا گیرنده ارسال میکرد. با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات شکل دیگری از رسانه به نام رسانه‌های اجتماعی به وجود آمد که دو ویژگی قبلی را لزوماً دارا نبود. در این رسانه‌های اجتماعی همه می‌توانستند پیام تولید و منتشر کنند و یک طرفه مدیریت نمی‌گردند. رسانه‌های اجتماعی در کمرنگ کردن رسانه‌های جمعی نقش داشته و مسبب آن بودند که عرضه اطلاعات، محتوا و پیام در انحصار عده‌ای خاص نباشد (پاتر، سواد رسانه‌ای، ص ۶۳).

امروزه رسانه‌ها نقش گسترده‌ای در هدایت و کنترل افکار عمومی دارند. بسیاری از جامعه‌شناسان و کارشناسان علوم ارتباطی معتقد هستند که رسانه‌ها از طریق ارائه درست یا نادرست مطالب، موجب جهت‌گیری افراد می‌شوند و به نوعی یک طرز تفکر عمومی را ایجاد می‌کنند. در چنین شرایطی چنانچه افراد عقیده خود را برخلاف عقیده اجتماعی و افکار عمومی منعکس شده در رسانه ببینند، در بسیاری از موارد در جهت پیام رسانه تغییر عقیده می‌دهند (اعزازی، خانواده و تلویزیون، ص ۵).

بر همین اساس یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه در موقعیت کنونی، اندیشه‌سازی است. رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های اجتماعی با تکیه بر منابع عظیم ثروت و سیاست، در دنیای به اصطلاح آزاد به کارخانه بزرگ تولید فکر مبدل گشته‌اند (بگدیکیان، انحصار رسانه‌ها، ترجمه: حیدری، ص ۳۸).

### **۲- تاثیر محتوای رسانه‌ای بر الگوهای تربیتی خانواده متعالی**

رسانه‌های مدرن، از جمله تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، به عنوان ابزارهایی نیرومند در جامعه امروز، تأثیر گسترده‌ای بر سبک زندگی و الگوهای تربیتی افراد دارند. خانواده‌های متعالی که براساس ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و دینی زندگی می‌کنند، به طور ویژه در معرض تأثیرات این رسانه‌ها قرار دارند. محتوای رسانه‌ای می‌تواند باورها و رفتارهای افراد را تغییر دهد و شیوه‌های تربیتی خانواده‌ها را به چالش بکشد. از این رو در ادامه به تحلیل و بررسی اثرات محتوای رسانه‌ها بر الگوهای تربیتی در خانواده متعالی پرداخته و همچنین چالش‌ها و مشکلات تربیتی ایجاد شده توسط آن‌ها را نیز بیان می‌شود.

### ۱-۳- تحلیل تأثیرات مثبت رسانه‌ها بر الگوهای تربیتی خانواده متعالی

یکی از مهم‌ترین اثرات مثبت تربیتی رسانه، آگاهی بخشی است. منظور از آگاهی چیزی فراتر از اطلاعات پراکنده در مورد یک رویداد یا شیء است و این آگاهی با تحلیل، تبیین، درک و دریافت حقایق و واقعیت‌ها همراه است. بنابراین آگاهی مترادف بینش، بصیرت، شناخت و معرفت است که از اهداف تربیت در خانواده متعالی به شمار می‌رود (یاوری وثاق، نقش رسانه در آگاهی بخشی سیاسی و اجتماعی، ص ۱۷).

تاریخ زندگی بشر در سه دوره متفاوت قابل بررسی است؛ دوره نخست، انقلاب کشاورزی بوده و حدود دو هزار سال به طول انجامیده است. دوره دوم، انقلاب صنعتی بود که تا چند دهه اخیر ادامه داشت و دوره سوم انقلاب فراصنعتی است که توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی و تولید انبوهی از اطلاعات از بارزترین ویژگی‌های آن است. در چنین عصری اعضای خانواده با انبوهی از اطلاعات و منابع روبرو هستند که امکان گزینش آزادانه اخبار و اطلاعات را دارند و می‌توانند از این محتوی استفاده کرده و به تحلیل و تصمیم‌گیری بپردازند. آگاهی بخشی در رسانه‌ها با ترفیع سطح آگاهی و تفکر مخاطب گزینش‌گر، رفتاری عقلانی و منطقی را در آنان سبب می‌شوند (یاوری وثاق، نقش رسانه در آگاهی بخشی سیاسی و اجتماعی، ص ۳۳).

یکی دیگر از اثرات مثبت رسانه‌ها بر تربیت، الگوسازی و قهرمان‌پروری است. در این راستا، هنر مقوله ارزش‌مندی است که با بهره‌گیری از آن در رسانه و تولید محتوا شخصیت‌هایی را تولید می‌شوند یا به فرزندان خانواده متعالی معرفی می‌گردند که برای آنان سرمشق و الگو باشند. در الگوسازی محتوی رسانه‌ای به صورت غیرمستقیم بر تربیت اعضای خانواده اثرگذار است. به عنوان نمونه سکانسی از یک فیلم که قهرمان اول آن که فردی فداکار، خوش‌سیما و دارای توانایی‌های علمی و جسمی است، نماز می‌خواند. این مسئله به صورت غیرمستقیم یک باور دینی را بدون ایجاد مقاومت در مخاطب برای پذیرش آن آموزش می‌دهد (ابلخانی‌پور، درآمدی بر جنگ رسانه‌ای: ابزارها و راهکارهای مقابله با آن، ص ۱۱۸).

از دیگر اثرات مثبت رسانه‌ها بهره از آن‌ها در جهت تقویت حس همبستگی میان اعضای خانواده با وجود تعلق به نسل‌های مختلف است. تشویق به تعاملات اجتماعی از طریق شرکت در گروه‌های متعلق به خانواده و خویشاوندان در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند پیوندها را تقویت نماید. همچنین روابط صمیمی و حمایتی میان اعضای خانواده ایجاد کرده و به عنوان الگوی مثبتی برای همکاری و همبستگی خانوادگی استفاده می‌شود (دهقانی، تأثیرات فرهنگی اجتماعی رسانه‌های نوین بر روابط خانواده، ص ۴۲).

## ۲-۳- تحلیل تأثیرات منفی رسانه‌ها بر الگوهای تربیتی خانواده متعالی

مهم‌ترین عامل قدرت رسانه‌ها در ارزش‌سازی است. آن‌ها می‌توانند پیام خود را به ضمیر ناخودآگاه مخاطب منتقل کنند بدون این که وی بخواهد یا عمدی داشته باشد و حتی دخالتی داشته باشد، در طول زمان تغییر کرده و ارزش‌ها و باورهایش کمرنگ شوند. این فرآیند چنان هنرمندانه صورت می‌پذیرد که فرد نه تنها هیچ واکنشی به آن نشان نمی‌دهد بلکه حتی متوجه چنین فرآیندی نیز نشده و نمی‌تواند موقعیت خود نسبت به قبل از تغییر را تشخیص دهد. این از زیان‌بارترین اثرات محتوای رسانه‌ای مخرب بر تربیت اعضای خانواده است (امانلو، بشقاب‌های سمی، ص ۵۰).

از دیگر آثار سوء رسانه‌ها ترویج و تربیت نسلی مصرف‌گرا است. رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های امروزی، اعضای خانواده را مصرف‌گرا کرده‌اند به صورتی که مصرف دیگر جزیی از زندگی آنان نیست بلکه در تمام طول زندگی تلاش می‌کنند برای این که بیشتر مصرف کنند. مهم‌ترین بخش مصرف‌زدگی آنجایی خواهد بود که خود فرد نیز هیچ کنش و نقش فعالانه‌ای در موضوعات نداشته و صرفاً پذیرا و مخاطب هرآنچه برای مصرف او فراهم گردیده است، قرار می‌گیرد. این اثر سوء به همین جا ختم نشده و رسانه به مصرف اعضای خانواده نیز جهت‌دهی می‌کند. در واقع پس از مصرف‌گرایی برای مصرف او برنامه نیز می‌ریزد و او را وادار به پیروی از این برنامه می‌کند به صورتی که گویی انسان مدرن برده رسانه است (امانلو، بشقاب‌های سمی، ص ۶۳).

کاهش تعاملات واقعی یکی از آسیب‌های استفاده بیش از حد از رسانه‌های امروزی در خانواده‌ها است. در اولویت نبودن ارتباط برقرار کردن و تعامل با اعضای خانواده و حتی دوستان و صرف زمان بیشتر بر گذر در شبکه‌های اجتماعی معزلی است که به مرور باعث ایجاد فاصله روانی میان همسران، فرزندان و والدین می‌گردد. همچنین، محتوی رسانه مدرن غالباً دارای گروه‌بندی نبوده و برای طبقات اجتماعی متفاوت با سن و درک و شعور متفاوت تفاوتی قائل نیست. در اثر همین موضوع فاصله و مرز میان عالم و جاهل با تماشا یا مطالعه محتوای عامه‌پسند رسانه از میان برداشته می‌شود. این در حالی است که فعالیت‌های همچون کتاب‌خوانی بر دانش و قدرت فهم اعضای خانواده متعالی می‌افزاید اما محتوای رسانه‌ای به همان میزان می‌تواند توجه آنان را به مقولات مورد توجه عوام معطوف دارد (طباطبائی، طلوع ماهواره، افول فرهنگ، اطلاعات، ص ۲۴).

## ۱-۲-۳- تضادهای ارزشی میان محتوای رسانه‌ای و ارزش‌های خانواده متعالی

مطابق آنچه پیش‌تر گفته شد تعریف جامع اسلام از تربیت، "هدایت" است. وظیفه مربی، مانند والدین در خانواده، این است که مسیر درست و هدف را به فرزند بشناساند، اما به او آزادی عمل بدهد تا از روی آگاهی به سمت کمال حرکت کند. در این میان، رسانه این قدرت را دارا است که قوه تحلیل را از انسان سلب نموده و با بمباران اطلاعاتی خود در قالب‌های مختلف اعم از فیلم، خبر، موسیقی، تبلیغات، مستند و بازی باعث مصرف تحلیل‌های رسانه توسط فرد شود. در این حالت هرگونه پیامی که از رسانه دریافت کند را فارغ صحت و سقم آن یا فارغ از اندیشه پیرامون آن پذیرفته و باز نشر هم می‌دهد (امانلو، بشقاب‌های سمی، ص ۵۰).



در این راستا، محتوای رسانه‌ای می‌تواند ارزش‌ها، باورها، تصورات و انتظارات و جهت‌گیری‌های ارزشی متفاوتی را عرضه کنند که به مرور زمان سبب فاصله‌روانی میان والدین و فرزندان در خانواده گشته و در نهایت به گسست و انقطاع نسلی بیانجامد. در این میان غالباً فرزندان جوان و نوجوان می‌کوشند آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و در این راه دست به گردنکشی و طغیانگری نیز می‌زنند. در گسست نسلی حاصل از این تضاد ارزش‌ها به جای تعامل بر سر اختلافات، درگیری میان فرزند و والد ممکن است به ترک خانواده و حرمت‌شکنی منجر گردد (امانلو، بشقاب‌های سمی، ص ۱۱۷).

یکی دیگر از تضادهای ارزشی میان محتوای رسانه‌ای و ارزش‌های خانواده متعالی، تعارض‌نمایی میان عقل و علم با دین و مناسک عبادی است. محتوای رسانه‌ای مدرن با غیرعقلی و غیرعلمی معرفی کردن عقاید و مناسک دینی سعی دارند ارزش‌های اسلامی خانواده متعالی را زیر سوال برند. حقیقت این است که کثرت عقاید و آموزه‌های عقل‌ستیز در تعالیم تحریف‌شده دین مسیحیت منجر به وجود اشتقاق میان علم و دین گشته است. پیش از بیان این تعارض لازم است سه دسته گزاره معرفی گردد.

گزاره‌های عقل‌پذیر، گزاره‌هایی هستند که خرد آدمی آن‌ها را پذیرفته و به درستی آن‌ها اقرار دارد. برای نمونه جزء کوچکتر از کل است.

گزاره‌های عقل‌ستیز، گزاره‌هایی هستند که خرد آن‌ها را نپذیرفته و رد می‌کند. برای نمونه اجتماع نقیضین مورد رد قرار می‌گیرد.

گزاره‌های فراعقلی، گزاره‌هایی هستند که دست خرد از رسیدن به آن‌ها کوتاه است و در جهان نیز اموری وجود دارد که اگر وحی نبود هرگز به شناختی از آن‌ها دست نمی‌یافتیم. برای نمونه برخی احکام شرعی از این دست گزاره‌ها هستند.

هم‌اکنون با محتویات رسانه‌ای مواجه هستیم که حرفی از آموزه‌های غیرعقلی و تحریف‌شده مسیحیت و وهابیت به میان نمی‌آورند اما مداوم در حال تخریب عقاید و اعمال عبادی و عقلانی خانواده متعالی اسلامی به خصوص شیعی هستند. این درحالی است که اسلام دینی عقل‌گرا و مطابق با فطرت و عقل انسانی بوده و قرآن به عنوان کتاب آسمانی آن هرگز جهلی نمی‌پذیرد. خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید «وَلَوْ كَانُ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء، ۸۲). در اسلام که آموزه‌های آن ارزش خانواده متعالی به شمار می‌رود، زمینه‌ای برای تعارض میان علم و دین نمی‌باشد. زیرا آموزه‌های اسلامی هیچ کدام خردستیز و غیرعقلی نبوده و حداکثر آن است که برخی از آنان فراعقلی هستند که عقل در برابر آنان سکوت می‌کند و حکمی ندارد.

### **۲-۲-۳. چالش محتوی غرب‌محور بر هویت دینی اعضای خانواده**

برخلاف تربیت اسلامی که تلاش دارد ابتدا با تغییر در حوزه اعتقادات و جهان‌بینی، شخص با میل و رغبت خود روش زندگی خود را تغییر دهد و به سوی زندگی با بصیرت و حکیمانه روی آورد؛ رسانه و مکاتب غربی درصدد هستند تغییر روش زندگی و رفتار در حالتی ناآگاهانه و غیرهوشیارانه صورت پذیرد و شخص متوجه تغییرات فکری خود و درنهایت تغییر هویت خود نگردد و در عین حال تمامی مفاهیم ارائه‌شده توسط آنان را

بپذیرد. غربی‌ها با استفاده از اصل قورباغه‌ای با استفاده از رسانه‌ها، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی خود، سعی بر کنترل دیگران و القاء آموزه‌های خود دارند. در اصل قورباغه‌ای، قورباغه داخل ظرفی مملوء از آب روی شعله ملایم اجاق گاز در حال استراحت است. اگر میزان حرارت رفته رفته افزایش یابد، قورباغه به خواب رفته و متوجه تغییر دمای محیط خود نمی‌شود. اما اگر او داخل ظرفی مملوء از آب داغ انداخته شود به بیرون پریده و خود را نجات می‌دهد. تغییر در حوزه تفکرات، عقاید و سبک زندگی اعضای خانواده نیز به همین شیوه است (امانلو، بشقاب‌های سمی، ص ۱۲۹).

یکی از چالش‌های محتوای غرب محور رسانه بر تربیت اعضای خانواده، مسئله تمسخر مرز محرم و نامحرم، ترویج اباحه و جایگزینی معنویت با شریعت است. محتوای غرب محور تلاش دارد اهمیت خطوط قرمز شرعی را ساقط نماید و به مخاطب جرأت انجام دهد. به عنوان نمونه در شبکه‌های اجتماعی ویدئو محور نظیر اینستاگرام و یوتیوب، افراد به نامحرم دست می‌دهند و روبوسی می‌کنند، به راحتی مشروب می‌نوشند و می‌رقصند، به راحتی عاشق کس دیگری می‌شوند و فرد در ارتباط با خودشان را جایگزین می‌کنند. از طرفی به مخاطب القا می‌کنند که نیازی به انجام مناسک دینی و عبادات نیست و معنویت برای انجام ندادن شریعت کافی است. همچنین در این محتوای رسانه‌ای حقیقت مهم نیست بلکه کارایی مهم است و اهمیت ندارد هر کسی از چه دین و آیینی باشد بلکه هر دین و آیینی قابل احترام و برحق است. نتیجه چنین محتوایی تکثرگرایی و ارج نهادن به عرفان‌های نوظهور است که می‌تواند جوانان و نوجوانان در خانواده به سوی خود جذب کند و دچار تغییر گرداند (عباسی مولید، رابطه تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین، ص ۷).

از مهم‌ترین چالش‌های محتوای غرب محور رسانه‌ها ایجاد بدبینی به حاکمان و ناکارآمدی نظام اسلامی است. رسانه‌ها با منشاء غربی به خصوص کانال‌های خبری غربی با نسبت دادن جنایات به حاکمان کشور و استناد به مستندات خودساخته، حاکمان را به لحاظ انسانی و اخلاقی منحط معرفی می‌کنند. مصاحبه‌های منتشرشده با خانواده‌های زندانیان و اعدامیان سیاسی و اجتماعی و انعکاش کینه‌های آنان در قالبی نوستالژیک از جمله این شگردها است. همچنین محتوای غرب محور سعی دارد با القا اینکه آنچه از پیشرفت و اکتشافات علمی دانشمندان در کشور که حاصل تربیت پایدار خانواده‌ها و جامعه خود هستند را نتیجه قهری گذر زمان معرفی کنند و به فرزندان در خانواده‌ها القا کنند که تنها راه نجات مهاجرت و ترک وطن و خانواده است.

یکی دیگر از چالش‌های محتوای غرب محور رسانه‌ها برای اعضای خانواده، تغییر نقش‌ها در میان خانواده است. در خانواده متعالی، مرد احساس مسئولیت در قبال اعضای خانواده خود دارد و موظف است حریم خانواده خود را حفظ نماید. محتوای غرب محور در رسانه برای مرد معیاری فردی قائل است که چنین فردی متعهد به دیگر اعضای خانواده نیست و برای امیال و نیازهای خود می‌تواند روابط مقدس خانوادگی را زیر پا گذارد. همچنین، در محتوای رسانه‌ای غرب محور دختر و پسر نوجوان و جوان آزاد و بدون تعهد نسبت به پدر و مادر و نهاد مقدس خانواده زندگی می‌کنند. چنین تعبیری باعث تعارض نقشی در فرزند می‌گردد در حالی که فرهنگ و واقعیات زندگی او تکالیف دیگری برای او در نظر گرفته است. بنابراین، از مهم‌ترین تاثیرات محتوای غرب محور رسانه،

ترویج فردگرایی، بازاندیشی نقش‌های خانواده و ناآرامی ذهنی و نارضایتی اعضای خانواده خواهد بود (امانلو، بشقاب‌های سمی، ص ۱۹۹).

## ۴- راهبردها پیشنهادی برای تربیت پایدار در مواجهه با محتوای رسانه‌ای

رسانه‌ها به دلیل تنوع و جذابیت بالای محتوا، می‌توانند تأثیر مهمی بر نگرش‌ها و ارزش‌های خانواده‌ها و به ویژه فرزندان داشته باشند. در خانواده‌های متعالی، که بر اصول دینی و اخلاقی بنا شده‌اند، چالش‌های محتوای رسانه‌ای دوچندان است و می‌تواند تهدیدی جدی برای بنیان‌های تربیتی محسوب شود. لذا، طراحی و اجرای راهبردهای تربیتی در مواجهه با این محتواها، به خصوص برای کودکان و نوجوانان، به والدین کمک می‌کند تا از اثرات منفی محتواهای نامناسب جلوگیری کرده و در عوض، ارزش‌های مثبت را به فرزندان خود القا کنند. بنابراین، انتخاب و مدیریت محتواهای رسانه‌ای باید بخشی از برنامه تربیتی خانواده‌های اسلامی باشد و والدین نقش اساسی در هدایت و نظارت بر این بخش دارند.

### ۴-۱- نهاد خانواده

خانواده، اولین موقعیت تربیت ارزش‌های دینی است و اصلی‌ترین واحد حیاتی و هسته فعالیت زیستی جامعه محسوب می‌شود. غفلت از تبیین نقش نهاد خانواده برای افراد، باعث می‌شود که افراد نتوانند در مقابل فشار رسانه‌ای محیط و همچنین تهاجم فرهنگی از سوی دشمن مقاومت کنند (غلامی، مسئله حجاب در جمهوری اسلامی، ص ۱۱۵).

نگاهی به ساختار پذیرش محتوای رسانه‌ای و تأثیر آن بر تربیت خانواده، در فهم مطلب موثر واقع خواهد شد. خانواده‌های به چهار دسته فعال، منفعل، سنتی و روشن‌فکر دسته‌بندی می‌شوند. در خانواده فعال، تربیت و درونی کردن هنجارهای اجتماعی و دینی روالی معمول و منطقی دارد. والدین ضمن مشارکت در زندگی جمعی به افزایش اطلاعات مورد نیاز و تعامل منطقی با فرزندان خود به ویژه جوانان می‌پردازند. محتوای رسانه‌ای مخرب برای ورود به این خانواده دچار مشکل جدی است؛ چرا که مامن اسرار جوانان و فرزندان این خانواده والدین هستند و محیط خانواده به شکلی است که برای طرح مسائل ذهنی و عقیدتی مشکلی ندارند و همچنین نقاط مجهولی ندارند که به واسطه محتوای رسانه‌ای ناسالم معلوم گردد.

در خانواده منفعل، وظایف، کارکردهای خانواده و هدف نهایی خانواده، تامین پوشاک و خوراک به جای تامین روحی و روانی فرزندان است. این مسئله شکاف اساسی میان والدین و فرزندان ایجاد می‌نماید. در چنین جوی فرصت مناسب برای گفت و شنود خانوادگی پیدا نمی‌شود و والدین بیشتر به فکر تامین لباس، خوراک و تفریح و حتی تحصیل فرزندان خود هستند و به موضوع همبستگی روانی با آنان و آموزش‌های معنوی توجه ندارند. در چنین جوی چه بسا ابتدا والدین تحت تأثیر محتوای مخرب رسانه‌ای قرار گیرند و سپس فرزندان مبتلا شوند. در صورت ابتلا نیز راه‌حل منطقی برای برون رفت از بحران اندیشیده نمی‌شود زیرا اولین راه مواجهه با مشکل، یافتن مسئله است؛ در صورتی که آنان درکی از مسئله ندارند.

در خانواده سنتی، تاکید بر سنت‌ها و رسوم حاکم بر جامعه دینی یا ملی است. چنانچه خانواده از نوع سنتی متعصب باشند، به شرایط زمانی و اقتضای تفاوت نسلی برای تربیت توجه نداشته و تنها آن چیزی را که از گذشته آموخته‌اند معیار اصلی تربیت خود و دیگران می‌دانند. خانواده سنتی منعطف اما با وجود وجه سنتی سعی بر این دارد در برابر شرایط و اقتضای زمان از خود انعطاف نشان دهد و با فرزندان خود همگام شود.

در خانواده روشن‌فکر، تاکید بر عقل و معیارهای منطقی نهاده شده است. چنانچه خانواده روشن‌فکر ارزش‌مدار باشد؛ معیارهای عقلانی آن‌ها پشتوانه ارزشی و غالباً دینی دارد. اما اگر خانواده روشن‌فکر فارغ از ارزش باشد؛ عقل آزاد را سرلوحه امور خود قرار می‌دهند و به نوعی هدف است که اهمیت دارد و وسیله را توجیه می‌کند.

به صورت کلی در یک طیف مشخص خانواده متعصب سنتی و خانواده روشن‌فکر فارغ از ارزش دو سر طیف هستند و افراطی عمل می‌کنند. در خانواده متعصب به علت مقاومت در برابر امور جدید و تازه و عدم تطبیق با زمان احتمال تاثیر تربیت از رسانه بالا است و به همین مراتب احتمال انحراف اعضای آن نیز بالا است. دسته خانواده روشن‌فکر فارغ از ارزش نیز در برابر هرگونه محتوای رسانه‌ای و مد جدید پذیرشی بالا دارد و تناقض میان ارزش‌های گذرا و آنی در آنان موجب گسست این خانواده می‌گردد.

خانواده پذیرفته شده در این میان برای تربیت پایدار خانواده سنتی منعطف و روشن‌فکر ارزش‌مدار است. این دو دسته آمیزه‌هایی از عقل و سنت ارزشی را سرلوحه قرار می‌دهند و در برابر آثار محتوای رسانه‌ای کمتر آسیب‌پذیرند. در واقع، با قدرت تحمل خود به مسائل و چالش‌های منتج از محتوای رسانه‌ای مخرب می‌اندیشند؛ با قدرت ایمان، اخلاق و صبر شیوه ارتباط منعطف با محیط و فرزندان خود را پیش می‌گیرند (قائم مقدم، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ص ۱۱۱).

## ۲-۴. مبلغان فضای مجازی

نهادینه کردن هر امری در تربیت در نخستین گام نیاز به ایجاد نگرش و ارزش دارد تا رفتار را نتیجه دهد. مبلغان با تولید محتوای مناسب در فضای مجازی می‌توانند نقش کلیدی در این میان ایفا کنند و مسئولیت این ایجاد ارزش به سوی تربیت پایدار را عهده‌دار شوند.

مبلغان به عنوان مرزداران اندیشه‌های دینی و فرهنگی با بیدارگری نسل امروز و فردا در قالب کلام، قلم و هنر می‌توانند با خلق محتوای ارزشی و انتشار آن از طریق ظرفیت جدید رسانه‌ها با خصوص شبکه‌های اجتماعی، سعادت‌آفرین باشند. اسلام و آموزه‌های اسلامی نیز با تبلیغ متولد شد و بقاء و جاودانگی آن نیز در سایه‌سار تبلیغ هدایتگران در جامعه خواهد بود.

امر تقویت باورها و ارزش‌های دینی توسط تولید محتوای مبلغان بایستی همزمان به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم مورد اجرا قرار گیرد. در رویکرد مستقیم ارزش‌ها، مناسب کارکرد و ضرورت آن و به ویژه پیامدهای مثبت عمل به آن و پیامدهای سوء عدم اعتنا به آن به مخاطب آموزش داده می‌شود. در رویکرد غیر مستقیم نیز تلاش می‌شود باورهای اعتقادی با ابزارهای رسانه‌ای در افراد ایجاد و تقویت شود. اهمیت آموزش غیر مستقیم و

تأثیرگذاری آن به مراتب افزون‌تر از آموزش مستقیم بوده و زمینه مناسبی برای پیدایش تربیت پایدار به وجود می‌آورد (گروهی از نویسندگان، ارزیابی راهبردهای عفاف و حجاب، ص ۱۱).

بنابراین بایستی با استفاده از ظرفیت‌های در فضای مجازی سبک زندگی اسلامی و همچنین سبک زندگی شهیدان را برای جوانان و نسل آینده به تصویر کشید. در این میان نیازی به اغراق و خلاف واقع گویی نیز وجود ندارد. اگر هر آنچه هست به شیوایی و زیبایی در فضای مجازی نشر داده شود، خود دل‌ها را جذب خواهد کرد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی، ۱۳۹۵/۷/۵).

دشمن به واسطه بهره‌برداری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به دروغ پراکنی و قلب واقعیت دست می‌زند و آسیب شایع در این حوزه عدم توجه کافی به جهاد تبیین در این عرصه است. دشمن همچون موریانه و ویروس بر ذهن افراد جامعه به خصوص نسل جوان اثر گذاشته و ارزش‌های فرهنگ اسلامی را ضدارزش معرفی می‌کند. بنابراین شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبان و جهاد تبیین اهمیت بسیار یافته و قوای حداکثری را می‌طلبد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعت سراسر کشور، ۱۴۰۱/۵/۵).

### **۴-۳. نظام آموزشی**

نظام آموزشی یکی از نهادهایی است که در عملکرد تربیتی خانواده در درازمدت مسئولیت دارد (دموس، خانواده در آمریکا، ص ۳). توسعه ابزارهای آموزشی برخط و رسانه‌های دیجیتال برای آموزش نیز باعث ایجاد موقعیت جدیدی برای نظام آموزشی شده است. وزارت آموزش و پرورش به عنوان متولی رسمی تعلیم و تربیت در کشور برحسب وظیفه خود بایستی به تدوین سیاست‌های بالادستی و کلان برای مخاطبان خود اعم از معلمان و دانش‌آموزان و والدین آن‌ها برای بهره‌برداری از رسانه پیردازد. سیاست‌ها با رعایت اصول ارزشی به فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده از فضای مجازی و رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های برخط و شبکه‌های اجتماعی بپردازد و به طور کلی مفهوم ارائه سواد رسانه‌ای را مورد توجه قرار دهد.

بنابراین آموزش سواد رسانه‌ای اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است، چرا که به افراد، به‌ویژه دانش‌آموزان، از این طریق توانایی تشخیص پیام‌های رسانه‌ای و تفکیک اطلاعات درست از نادرست را می‌دهد. سواد رسانه‌ای، بر مبنای تفکر انتقادی، به افراد امکان می‌دهد که به جای پیروی کورکورانه از پیام‌های رسانه‌ها، این پیام‌ها را تجزیه و تحلیل کرده و معنای واقعی آن‌ها را درک کنند.

یکی از اصلی‌ترین اهداف سواد رسانه‌ای، آموزش تفکر انتقادی است، تا افراد بتوانند محتوای رسانه‌ای را از دیدگاه‌های گوناگون مورد ارزیابی قرار دهند. این مهارت به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به نحوی آگاهانه با پیام‌های رسانه‌ای مواجه شوند و ضمن شناخت اهداف پنهان این پیام‌ها، از تأثیرات منفی محتواهای غیرموثق و آسیب‌رسان در امان بمانند. بدین ترتیب فرزند دانش‌آموز در مواجهه با محتوای رسانه‌ای سوالات اساسی را برای خود مطرح می‌کند که چه کسی این محتوی را تولید کرده و چه هدفی از تولید آن داشته است؟ همچنین، ارزش‌های برجسته شده یا نادیده شده در این محتوی چیست؟ با این طرز تفکر فرزند از سطح ظاهر فراتر رفته و

به نیت و اهداف پیام محتوای رسانه‌ای توجه دارد که این امر موجب آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مواجهه با دنیای رسانه‌ای می‌گردد.

از سوی دیگر، آموزش سواد رسانه‌ای نه تنها به تقویت مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه موجب کاهش تأثیرات منفی رسانه بر رفتارهای فردی و اجتماعی آن‌ها می‌شود. این آموزش‌ها می‌توانند به دانش‌آموزان یاد دهند که چگونه از محتوای رسانه‌های اجتماعی استفاده کنند، به حریم خصوصی خود و دیگران احترام بگذارند، و در مواجهه با مشکلات و چالش‌های مجازی، تصمیمات مناسبی اتخاذ کنند. به این ترتیب، سواد رسانه‌ای می‌تواند پلی بین آموزش رسمی و زندگی روزمره دانش‌آموزان باشد و آن‌ها را برای زندگی در جامعه‌ای پر از اطلاعات و پیام‌های متنوع آماده کند.

## ۵- نقش دولت و حاکمیت در تنظیم و ارائه محتوای رسانه‌ای مناسب

سیاست و حاکمیت متولی اصلی توسعه فرهنگ در جامعه بوده و برنامه‌ها و سیاست‌های آن تأثیر بسیار زیادی بر عملکرد ارکان دیگر موثر بر توسعه فرهنگ از جمله خانواده و نظام آموزشی دارد. در جوامع دیگر هم نهادهای مختلف با یکدیگر ارتباط و تعامل داشته و نهاد دولت حاکم بر آن جامعه، نهاد برتر و مسلط بر سایر نهادها شناخته می‌شود. مبداء پیام‌ها و آگاهی‌بخشی‌هایی که از رسانه‌های جمعی منتشر می‌شود و سیاست‌هایی که در نظام آموزشی مورد اجرا قرار می‌گیرد نیز رهبران سیاسی و دولت‌ها هستند. بنابراین بررسی این رکن از اهمیت والایی برخوردار بوده و اثرگذار بر سایر ارکان نیز می‌باشد؛ زیرا که اگر سه عامل دیگر را در عرض یکدیگر باشند، حاکمیت بر هر یک از آنان تأثیر خواهد داشت.

چنانچه دشمن امروزه برای شکست جامعه اسلامی به هر وسیله ممکن چنگ می‌زند و علاوه بر جنگ سخت به جنگ نرم و تهاجم فرهنگی روی آورده است، دولت و حاکمیت نیز بایستی بر اساس دستور قرآنی "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ" از هر وسیله مشروعی سلاحی بسازد و از فرهنگ و ارزش‌های جامعه خود پاسداری کند. در این راه بایستی از امکانات رسانه‌ای نیز بهره برد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «فعلاً دشمن از ابزار رسانه استفاده میکند برای اثرگذاری بر افکار عمومی. توجه کنید! ابزار رسانه، ابزار مهم و اگر دست دشمن باشد، ابزار خطرناکی است. ابزار رسانه را تشبیه میکنند به سلاحهای شیمیایی در جنگ نظامی؛ سلاح شیمیایی را وقتی می‌زنند، سلاح شیمیایی تانک و تجهیزات را از بین نمی‌برد؛ تجهیزات میماند و انسانها از بین می‌روند و از قدرت استفاده‌ی از ابزار می‌افتند؛ سلاح شیمیایی در جنگ نظامی این‌جوری است؛ ابزار رسانه هم این‌جور است. امروز از تلویزیون، از رادیو، از اینترنت، از شبکه‌های اجتماعی، از انواع و اقسام وسایل فضای مجازی، علیه افکار عمومی ما استفاده میشود.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در مورد اهمیت تبیین، ۱۴۰۰/۷/۵،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۸۷۶۱>

یکی از رویکردهای دولت و حاکمیت برای ارائه محتوای رسانه‌ای مناسب، فراهم آوردن رسانه ملی قوی با محوریت اعتمادسازی است. در این راستا باید رسانه ملی از سرعت و شتاب‌زدگی در انتقال اخبار و ارائه تفسیرها حذر کند. نقل اخبار ناموثق اعتبار رسانه را زیر سوال خواهد برد و بر تأثیر شبکه‌های اجتماعی غربی و شبکه‌های

خبری غربی بر ذهن مخاطب خواهد افزود. همچنین اعمال نگرش‌های حزبی و جناحی برای مخاطبان رسانه مطلوب نبوده و در نتیجه مخاطبان را به رسانه‌هایی بیطرف در این مقال گرایش می‌دهد.

یکی دیگر از مهم‌ترین راهبردها در محتوای رسانه ملی مسئله سانسور در رسانه است. سانسور در رسانه با توجه حفظ منافع ملی و مسائل امنیتی نباید تا به جایی پیش رود که مخاطبان برای آگاهی از مسائل به رسانه‌های غربی و بیگانه رو کنند و خود را در معرض خطر تهاجم فرهنگی قرار دهند. همچنین رسانه باید با مخاطب خود همدردی کند و حرف‌های او را بازتاب دهد در غیر این صورت مخاطب رسانه ملی را از خود نخواهد دانست و با آن بیگانه می‌گردد. یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش مخاطبان به خصوص جوانان به رسانه‌های غربی، بازتاب مشکلات و چالش‌های آنان در حوزه‌های متعدد سیاسی، معیشتی و فرهنگی است. این رسانه‌ها به صورت هدفمند از بازتاب مشکلات بدون ارائه پاسخ مناسب استقبال می‌کنند.

راهبرد مهم دیگر جواز نقد دولت توسط رسانه است. سیاست‌های کلان رسانه ملی باید به گونه‌ای تعریف گردد که قادر باشد در اجرای ارزش و آموزه امر به معروف و نهی از منکر، به نقد صحیح دولت و کارگزاران حکومت بپردازد و نماینده شایسته‌ای برای مخاطبان و جوانان در انتقال دیدگاه‌های سازنده آنان باشد. این حرکت اهرم انتقاد مخرب را از دست جریان‌های معاند و غربی خارج می‌سازد.

یکی دیگر از راهبردها حاکمیت افزایش کمی و بهبود کیفی برنامه‌ها در رسانه ملی و شبکه‌های برخط و اجتماعی برای مخاطبان است. در چندین سال اخیر توسعه کمی شبکه‌ها صورت پذیرفته است و از نظر تعداد شبکه‌ها کشور دارای جایگاه شایسته‌ای در جهان است اما در مقابل انتخاب‌هایی که شبکه‌های بیگانه به مخاطب ایرانی می‌دهند، شبکه‌های ملی حق انتخاب کمتری به مخاطب داده‌اند. برخی راهبردها برای بهبود کیفی محتوای رسانه‌ای حاکمیت در ادامه تشریح می‌گردد.

آموزش کارشناسان رسانه در حوزه‌های متفاوت و تقویت دانشکده‌های تخصصی برای تربیت نیروی کاردان از راهبردهای ضروری به شما می‌رود. همچنین ارتباط اصحاب رسانه اعم از گوینده، نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان و کارشناس با دانشگاه‌هایی که قدرت هدایت فکری جامعه را دارند نیاز جدی است.

از آنجایی که برابر اصل ۴۴ قانون اساسی، رادیو و تلویزیون در انحصار بخش دولتی قرار دارد، بخش خصوصی در ایران مجاز به تاسیس رادیو و تلویزیون خصوصی نیست. یک راهبرد جهت رونق تولیدات فرهنگی و محتوای رسانه‌ای سالم در کشور تکثیرگرایی در تولید محتوای رسانه‌ای است. چنانچه تکثیرگرایی در حوزه تولیدات رسانه‌ای با قیود خاصی همراه باشد که اهداف قانون‌گذار را از ایجاد انحصار تأمین نماید؛ گستره انتخابی خوبی را برای مخاطبان فراهم می‌آورد و سبب کاهش گرایش او به محتوای رسانه‌ای غربی و نادرست می‌گردد. همچنین، ایجاد فضای رقابتی میان رسانه‌های داخلی افزون بر فراهم آوردن فضایی برای جلب نگاه مخاطبان در تولیدات داخلی، به تقویت تولیدات تلویزیونی، رشد موسیقی، سینما و ده‌ها صنعت مختلف درگیر در این حوزه می‌انجامد. (رفیع‌پور، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، ص ۸۹)

## ۶- نتیجه‌گیری

خانواده متعالی و تربیت پایدار از جمله مفاهیم بنیادی در نظام ارزشی اسلامی‌اند که نقش مهمی در شکل‌دهی هویت اخلاقی و اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. خانواده متعالی، به عنوان نهادی اخلاق‌محور و معنویت‌مدار، با فراهم آوردن بستری امن و سالم، نقش کلیدی در تقویت ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به اصول دینی دارد و از این طریق، نسل‌هایی مقاوم در برابر چالش‌های اجتماعی و پایبند به اصول اخلاقی و فرهنگی تربیت می‌کند. در این راستا، محتوای رسانه‌های نیز به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی، نقش ویژه‌ای در شکل‌دهی به رفتارها، باورها و ارزش‌های افراد ایفا می‌کند. با توجه به نفوذ گسترده رسانه‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، بررسی و مدیریت محتوای رسانه‌ای و توجه به اثرات آن بر الگوهای تربیتی خانواده‌های متعالی امری ضروری به نظر می‌رسد. رسانه‌ها می‌توانند به عنوان یک فرصت یا تهدید عمل کنند؛ از سویی با انتشار محتوای مثبت و ارزش‌مدار به تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی کمک کرده و از سوی دیگر، در صورت تضاد با اصول خانواده متعالی، باعث تضعیف تربیت پایدار و ارزش‌های اخلاقی می‌شوند. از این رو، برای مواجهه مؤثر با چالش‌های رسانه‌ای، خانواده‌ها، نظام آموزشی، رسانه‌های ملی و سیاست‌های حاکمیتی باید نقش و مسئولیت‌های خود را به‌درستی ایفا کنند. خانواده‌ها با تکیه بر آگاهی و ایجاد فضایی مناسب برای گفتگو و تربیت ارزش‌مدار، می‌توانند تأثیرات منفی محتوای ناسالم رسانه‌ای را کاهش دهند. نظام آموزشی نیز با تقویت سواد رسانه‌ای در دانش‌آموزان و ارائه برنامه‌های آگاهی‌بخش، به تربیت نسلی آگاه و مقاوم در برابر آسیب‌های احتمالی رسانه‌ها کمک می‌کند. رسانه‌های ملی نیز باید با ارائه محتوای غنی و سازنده، به گسترش فرهنگ صحیح مصرف رسانه‌ای و ارتقای سطح فکری و اخلاقی مخاطبان بپردازند.

همچنین، حاکمیت و دولت به عنوان متولیان اصلی فرهنگ‌سازی، می‌توانند با سیاست‌گذاری‌های هدفمند و تقویت رسانه‌های ملی، زمینه‌ای برای مقابله با نفوذ محتوای ناهنجار و تأمین محتوای سالم و ارزش‌مدار فراهم آورند. با اجرای سیاست‌های فرهنگی مناسب و جلب اعتماد عمومی، امکان مدیریت و تأثیرگذاری مطلوب در برابر هجوم‌های فرهنگی فراهم می‌شود. از سوی دیگر، هماهنگی بین نهادهای مختلف جامعه، مانند خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها و دولت، به ایجاد زمینه‌ای مساعد برای تربیت پایدار و ارتقای فرهنگ دینی و اخلاقی کمک می‌کند.

بنابراین، با توجه به چالش‌های ناشی از محتوای رسانه‌ای و تأثیر آن بر تربیت پایدار، به نظر می‌رسد که تعامل سازنده میان نهادهای اجتماعی و اجرای راهبردهای فرهنگی کارآمد از ضرورت‌های اصلی است. خانواده‌های متعالی، در کنار نهادهای آموزشی و سیاست‌های حاکمیتی، می‌توانند با آگاهی‌بخشی و توانمندسازی فرزندان خود، از تربیت پایدار و ارزش‌های دینی محافظت کنند و به پرورش نسلی متعهد و اخلاق‌مدار که در برابر هجوم‌های فرهنگی مقاوم هستند، کمک کنند. این هم‌افزایی و هماهنگی بین نهادهای اجتماعی، می‌تواند ضامن بقای ارزش‌های دینی و اخلاقی و تقویت هویت اسلامی-ایرانی نسل‌های آینده باشد.

## منابع

۱- قرآن مجید، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن کریم، ۱۳۷۳.



- ۲- آیت‌الله طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.
- ۳- محمدعی، ایازی، اسلام و تنظیم خانواده، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۴- بانکی‌پور فرد، امیرحسین، نقش و رسالت زن (۴): زن و خانواده: گزیده بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
- ۵- ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، انصاریان، ۱۳۸۳.
- ۶- احمد، بهشتی، تربیت از دیدگاه اسلام، قم: دفتر نشر پیام.
- ۷- دبلیو جیمز پاتر، احسان شاه قاسمی، سواد رسانه ای، جهاد دانشگاهی، ۱۴۰۲.
- ۸- حسین، امانلو، بشقاب‌های سمی: معرفی شبکه‌های ماهواره‌ای، آسیب‌ها و راهکارهای مقابله، فرآهنگ اندیشه(وابسته به معاونت فرهنگی پرورشی نیروی مقاومت بسیج)، ۱۳۹۳.
- ۹- شهلا، اعزازی، خانواده و تلویزیون، مرنديز، ۱۳۷۳.
- ۱۰- بن اچ. بگدیکیان، داود حیدری، انحصار رسانه‌ها، مرکز مطالعات و تحقیقات، ۱۳۷۴.
- ۱۱- مهدیه، یآوری وثاق، نقش رسانه در آگاهی‌بخشی سیاسی و اجتماعی، دین و رسانه(وابسته به اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۹۱.
- ۱۲- علی، ایلخانی‌پور، درآمدی بر جنگ رسانه‌ای: ابزارها و راهکارهای مقابله با آن، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.
- ۱۳- عمران، دهقانی، تاثیرات فرهنگی اجتماعی رسانه‌های نوین بر روابط خانواده، سنجش و دانش، ۱۳۹۸.
- ۱۴- صادق، طباطبائی، طلوع ماهواره، افول فرهنگ، اطلاعات، ۱۳۹۳.
- ۱۵- عباسی مولید، حسین، "رابطه تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین"، بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۲۵، ۱۳۹۲.
- ۱۶- علی، غلامی، مسئله حجاب در جمهوری اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۸.
- ۱۷- محمد رضا، قائم مقدم، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
- ۱۸- گروهی از نویسندگان، "ارزیابی راهبردهای عفاف و حجاب"، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰.
- ۱۹- رفیع‌پور، فرامرز، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، تهران: نشر فرا، ۱۳۷۸.
- ۲۰- John Demos, The Family in America, Vol.2,no.6, June1988, p.3
- ۲۱- <https://farsi.khamenei.ir>